

انتخابات دموکراتیک، نسخه‌ای رنگ‌باخته، سرگرمی و مست‌کننده توده‌هاست که هرگز بهبودی در اوضاع آنان پدید نخواهد آورد... ۴



پایه‌سازی احکام اسلام، دولت اسلامی را به پناهگاهی امن و گرامت‌بخش بدل ساخت و سکوفایی آن را تضمین نمود؛ امری که برای تمامی شهروندانش فارغ از نژاد یا دین، زمینه بهره‌مندی از رفاه و گسترش دست یاری و رحمت به سوی نانوایان و از کارافتادگان را فراهم آورد. ابویوسف در کتاب «الخراج» آورده است: در دوران خلافت ابوبکر و رضی‌الله عنه، خالد بن ولید در بیمان اهل فمه برای ساکنان حیره در عراق که نصرانی بودند، چنین نگاشت: «برای آنان مقرر داشتیم: هر سالخورده‌ای که از کار فروماند، یا آسیبی از آسیبها به او رسد، یا ناوگاری باشد که تپیدست کرده چندان که هم کشتایش به او صدقه دهند، جزیه از او بر داشته شود و هزینه عیشت او و نان خورهایش از بیت‌المال مسلمانان تأمین گردد».

تنہا دو ہفتے پس از نشست اردن، اسعد الشبیانی، وزیر امور خارجہ منطقہ جا بزند!

سوریه پر جدیدی از پیش‌اعلام‌شدہ بہ ترکیب رفت و با هتاتی ترک دوم، فرجام ہوئیگ رضایت امریکا؛ ستایش دشمن از سیاست خارجی خود، هاکن فیدان و فرستادہ ویژه آمریکا در امور سوریه و عراق و این سرزمین و تجدید آشکارش از دیپلماسی در پیش گرفته‌شدہ، السعیدی این کشور در آنکارا، تارک یارام، دیدار کرد۔ نتائج آگاہ بہ «المراتب»

الحججه یادآور شدند کہ برپوندهای امنیتی و پارلیمانی عربستان

ادامہ صفحہ ۳۳

نقش ترسیم‌شده برای ترکیه در مرحله پیش‌رو

استاد اسعد منصور



پایگاه خبری اکسیوس گزارش داد که کاخ سفید اخیراً جزئیات

راهربرد امنیت ملی جدید، دولت ترامپ را منتشر کرده است: - حجم چشمگیری از منابع نفت در بستر دریای مدیترانه نهفته

سندی ۳۳ صفحه‌ای که در آن بر چندین پرونده تمرکز شده که از

جمله‌مهم‌ترین آن‌ها، سرزمین‌های اسلامی است. علت توجه آمریکا

به خاورمیانه، اهمیت جغرافیایی و جایگاه ژئوپلیتیک بی‌همتای آن

است. این سند دو صفحه را به پرونده خاورمیانه اختصاص داده

و در آن از چشم‌انداز خود برای آینده این پهنه در سایه منازعات

جاری و ماهیت رویکردهای واشنگتن در آینده برای بازآرایی موازنه

قوا در خاورمیانه در مرحله پس از جنگ علیه ایران سخن رانده

است. ارکان بنیادین راهبرد آمریکا برای «خاورمیانه جدید» (یا

آنچه به عنوان طرح‌های پس‌جنگ منطقه‌ای شناخته می‌شود) بر محور

پایه‌های راهبردی اصلی می‌چرخد که دولت ترامپ از رهگذر آن‌ها

در پی بازسازی ائتلاف‌های امنیتی و سیاسی منطقه است؛ مواردی

همچون ایجاد ائتلاف بازدارنده منطقه‌ای نظیر «توافق دفاع مشترک

مکه، برای تنظیم تحرکات ایران در منطقه یا مهار آن، تأمین امنیت

آبراه‌ها و مسیرهای ترانزیت انرژی، حل‌وفصل پرونده غزه بر مبنای

دیدگاه آمریکا، گسترش توافق‌ات ابراهیم و روند عدلی‌سازی روابط

با رژیم یهود و تضمین امنیت این ادغام اقتصادی و فناوریانه و

بازطراحی ساختار ناتو بر پایه هرزیم‌کردن دفاعی (یعنی پرداخت پول

در ازای مشارکت)، در کنار مهار نفوذ چین.

به بیانی بسیار کوتاه، این سند بازآرایی خاورمیانه‌ای است که در

قلب جهان و در تقاطع سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا جای دارد و

کانون بنیادین بازآراهی انرژی به شمار می‌رود؛ سرزمینی که

ترکیب بی‌نظیری از سوت‌های فسیلی عظیم و پتانسیل چشمگیر

انرژی‌های تجدیدپذیر را داراست و جمعیتی معادل ۴۶۹ میلیون

تن را در خود جای داده است.

ابتنا پرسشی بنیادین رخ می‌نماید: آیا آمریکا با وجود تمامی

چالش‌های کنونی، توان آن را دارد که این بازمهندسی خاورمیانه

به تنهایی و بی‌واسطه یعنی بدون میانجی یا متحدی منطقه‌ای که

برایش شتاب تجاتی باشد و هر رقیبی را کنار زند، عملی سازد؟ و

آیا این طرح استعاری نوپدید و کهن به سرانجام خواهد رسید؟

چرا شمشضا ترکیه؟

از دیدگاه جایگاه بر پهنه جغرافیایی خاورمیانه، ترکیه در نقطه پیوند

قاره‌های کهن آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است؛ امری که به آن

موقعیت ژئوپلیتیک متمركزبهردری بخشیده و آن را به پل ارتباطی

و گذرگاهی حیاتی میان شرق و غرب بدل ساخته است. اهمیت

ژئوپلیتیک ترکیه در ایجاد زیر نهفته است.

تشکیل کهن امنیت انرژی، به‌گونه‌ای که شاهراه اصلی

انتقال نفت و گاز از دریای سیاه و آسیای میانه به اروپا از طریق

خطوط لوله راهبردی همچون تانابپ (TANAP) و ترک‌استریم

(TurkStream) محسوب می‌شود.

ایفا نقش گره‌گاه تجاری (کریدور میانی)، چنان‌که از طریق جاده

باستانی ابریشم و پروژه‌های ترانزیتی چون کریدور زنگرور و مسیر

توسعه، آسیا را به اروپا پیوند می‌دهد تا قطب بازرگانی جهانی باشد.

قدرت نظامی درون ناتو؛ این کشور دارنده دومین ارتش بزرگ این

ائتلاف و کشور آشامی عضو ناتو است که جایگاه امنیتی آن را

در منطقه خاورمیانه تثبیت می‌نماید.

برخورداری از عمق منطقه‌ای و فرهنگی؛ چراکه از طریق «سازمان

دولت‌های ترک» و پیوندهای پراگماتی با جهان اسلام و خاورمیانه.

مناسبات بسیار مستحکم با کشورهای آسیای میانه دارد.

خودکنکلی چشمگیر در بخش کشاورزی و مواد غذایی؛ به‌گونه‌ای

که رتبه نخست اروپا و رتبه هشتم جهان را در تولیدات کشاورزی

به خود اختصاص داده و صدها گونه محصول تولید می‌کند؛ یعنی

سوپاپ امنیتی برای امنیت غذایی جهان است.

سیاست تاریخی و اسامی رهشمار در منطقه؛ چراکه به مدت ۶۴۴

سال کانون خلافت عثمانی بود و گستره جغرافیایی دولت عثمانی در

نقطه اوج خود در سال ۱۶۸۳ میلادی به حدود ۵.۲ تا ۵.۵ میلیون

کیلومتر مربع می‌رسید. از این‌رو در صورت تحقق اراده سیاسی

راستین، تمامی ارکان برپایی یک دولت واقعی را در اختیار دارد.

تنوع و فراوانی بیشمار در ثروت‌های خدادادی نظیر معادن و

ذخایر طبیعی؛ نعماتی که الله سبحانه‌وتعالی به این سرزمین ارزانی

داشته است.

شرق دریای مدیترانه کانون ذخایر عظیمی از گاز با برآوردی فراتر

بریکس: آیا نظم جهانی دگرگون می‌شود یا کانون‌های قدرت در درون آن جابه‌جا می‌گردند؟

دکتر احمد عبد الفتیل

در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۶، رهبران بریکس در هند گرد هم را به چین منتقل ساخت، آن را به کارخانه جهان بدل نمود و آمدند و این نشست به تصویب «اعلامیه دهلی‌نو» به کار سپس دریافت که این کارخانه نه فقط کالا تولید می‌کند، بلکه خود پایان داد؛ بیانیه‌ای که بر پایبندی این گروه به تقویت کلید زنجیره‌های تأمین جهانی را نیز در دست دارد. از همین چندجانبه‌گرایی، اصلاح نهادهای حاکمیت جهانی، افزایش سهم رو، هراس کنونی غرب از نفوذ چین، از تصمیمات اقتصادی برای بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه و برپایی نظم شرکت‌ها و دولت‌های غربی طی دهه‌های متعددی اتخاذ کرده‌اند، بین‌المللی «عادلانه‌تر» و منصفانه‌تر» مهر تأیید زد.

این پرونده، پرسشی را که از زمان پیدایش بریکس پیوسته فلزات حیاتی: میدان نبردی نوین

همراه آن بوده دوباره پیش چشم می‌آورد: آیا این نهاد ابزاری پرونده «فلزات حیاتی» در این اجلاس، صرفاً طرحی گذرا از واقعی برای کاستن از هژمونی غرب است یا صرفاً همگرایی سوی هند نبود، بلکه در بند ۶۷ بیانیه دهلی‌نو با مراتب بر منافع نامتناسبی است که تعدیل موازنه قوا را بی‌تکنه مینا ایجاد زنجیره‌های تأمین مطمئن، متنوع، منصف و عادلانه‌ای برای و ایدئولوژی جایگزینی برای نظم جهانی داشته باشد، در سر فلزات حیاتی همگام با تقسیم منافع، ایجاد ارزش افزوده و توزیع‌بخشی اقتصادی در کشورهای دارنده منابع، تأکید شد. این می‌پرووراند؟

بیانیه فلزات مذکور را به اهمیت انرژی و تاب‌آوری زنجیره‌های

در آغاز یادآوری این نکته ضروری است که بریکس اساساً

برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری جهانی پدید نیامده است، در حال توسعه در مراحل تولید با ارزش بالا و انتقال فناوری

اصطلاح «بریکس» را نخستین‌بار در سال ۲۰۰۱ جیم اونیل، را خواستار کردید.

اقتصاددان بانک گلدمن ساکس، برای توصیف برزیل، روسیه،

هند و چین به عنوان اقتصادهای نوظهور در سایه هژمونی

تک‌قطبی آمریکا ادعاه کرد، این اصطلاح سپس به بستری برای

همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دگرگون گشت؛ به‌گونه‌ای

که شش‌ده‌های آن در سال ۲۰۰۶ آغاز شد، نخستین اجلاس

رسمی آن در سال ۲۰۰۹ به بار نشست و با پیوستن آفریقای

جنوبی در سال ۲۰۱۰ به «بریکس» تغییر نام یافت. طنز نابرا

در اینجاست که نام‌گذاری و دستمبندی متولدشده در دل نظام

سرمایه‌داری غرب، به ساتاری بدل شد که در صدد بازتوزیع

قدرت در درون همین ساختار، مهار هژمونی غرب و افزایش

نفوذ قدرت‌های خواسته است؛ بی‌آنکه خروج از چارچوب



سرمایه‌داری را برچیدن نظام اقتصادی جهانی را مطرح سازد.

با این همه، گسترش بریکس آن را منسجم‌تر نکرد، بلکه بر

تناقضات درونی آن افزود؛ چراکه هند شراکت راهبردی و

رو به رشد با آمریکا دارد و در حوزه آسیایی با چین رقابت

می‌کند؛ روسیه از رویارویی مستقیم با آمریکا بی‌همتاگ است

و از به چالش کشیدن آن در مناطق نفوذش پرهیز می‌ورزد،

چنان‌که هم‌مراقب است رشد فزاینده نفوذ چین به هژمونی پکن

بر مسکو تبدیل نگردد. آفرور بر این، پیوستن برخی کشورهای

عربی و ایران، توازن‌ها و تعارضات منطقه‌ای پیچیده‌ای را به آن

تثریق کرد؛ چه اینکه ایران با رقبایی روبه‌روست که پیوندهای

استواری با واشنگتن دارند. در حالی که عربستان سعودی

مناسبات راهبردی خویش را با آمریکا حفظ کرده و در این

اجلاس تنها به حضور وزیر امور خارجه‌اش بسنده نمود. با تمام

این احوال، بریکس توانسته است این طرف‌های نامهمگون را که

زیر یک سقف گرد هم آورد.

نخستین این تضادهای راه ماه مه گذشته آشکار گشت؛ هنگامی که

ژرفای وزیران امور خارجه بریکس به سبب اختلافات پیرامون

تحولات خاورمیانه از صدور بیانیه مشترک بازماند، پیش از

آنکه اجلاس دهلی‌نو به تصویب بیانیه‌ای مشترک که همان

«ال‌بلترین» درواخت خویشند، گشت‌وگو و دیپلماسی

فرامی‌خواند، از این آزمون بگذرد. در این چارچوب، حضور

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، امری حاشیه‌ای نبود؛ او

در کنار رهبران کشورهای بریکس به روابط نزدیک با آمریکا

دارند و تلاش کرد تا به کشورهای خلیج اطمینان‌خاطر داده و

خطوط گشت‌وگو را بشکاید؛ چنان‌که دیداری با ولیعهد ابوظبی

برگزرا کرد. ششانه بارش بر بریکس در همین نهفته است. این

نهاد الزاماً منازعات میان اعضایش را حل نمی‌کند، اما بستری

فرامه می‌سازد که رقیب در آن بی‌آنکه قواعد شش‌تن را

واشنگتن میسر کرده باشد، در کنار هم بنشینند. بدین‌سان،

دامنه مانور در فاصله‌ای دورتر از قطب غربی فراخ‌تر می‌گردد،

هرچند گسترش این ائتلاف، هم‌زمان تناقضات درونی آن را نیز

تعمیق می‌بخشد.

چین: از موازنه قوا تا مهار زیرساخت‌ها

آفرور بر این، اگر روسیه و چین به سوی جهانی چندقطبیتی گام

برمی‌دارند، پکن از انزایی ضامغه بهره می‌جوید؛ اقتدار صنعتی

و فناوریانه، شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در این اجلاس

خواستار تعمیق همکاری‌های صنعتی در حوزه هوش مصنوعی،

تبادل دستاوردهای تحقیق و توسعه و کاربردسازی آن‌ها

تحمیک هماهنگی در بخش صنعت و زنجیره‌های تأمین شد. این

رویکرد بر بیانیه پایانی اجلاس سایه افکند و در آن از انتقال

فناوری و ارتقای سهم کشاورزی در حال توسعه در مراحل تولید

با ارزش افزوده بالاتر سخن به میان آمد.

با این همه، این شعارها که به‌سبب دلباختگان نمود صنعتی چین

را فریبید، نباید پرده بر واقعیت رقابت بر سر نفوذ اقتصادی

بی‌فکند؛ چراکه همکاری‌های اعلام‌شده در عمل می‌تواند به

گسترش سلطه چین بر زنجیره‌های تأمین و تحکیم جایگاه آن

در تماجب، خود خام‌ساز سرمایه‌های بینجامد، درحالی‌که

حلقه‌های فراوری، صنعتی‌سازی و فناوری‌های پیشرفته‌تر با

ارزش افزوده بالا همچنان در بیرون از این سرزمین‌ها متمرکز

با این پماند.

بدین‌سان درمی‌یابیم که غرب خود در برآمدن قدرتی که امروز

از آن را هراس است نقش داشته است؛ خطوط تولید خویش

را به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

از آن

را

به

چین

ادامه: تلاشی خستگی‌ناپذیر از سوی رژیم احمد الشرح برای عادی‌سازی روابط با یهود

این دشمن کینه‌توز را تا این پایه خرسند و راضی ساخته است؟ آیا آری بخشی و نفی قاطع مشروعیت‌بخشی به موجودیت اشغال‌گران این تحسین بی‌پرده از سوی آمریکا، از حجم گراف امتیازدهی‌های یکسره به دست فراموشی سپرده شده است؟ چهارم: تأکید بر رسالت سنگینی که بر دوش امت نهاده شده است؛ روند دشمنی علیه خطی است که هویت این سرزمین و آرم‌های استوار غاصب مهیونتستی هرگز حاصل نخواهد شد مگر پس از ارائه خدماتی چشمگیر که نقشه‌های شوم آنان را محقق سازد، امنیت یهود را تضمین کند، سطره سیاسی و نظامی‌شان را بر منطقه تثبیت نماید و تمامی اهداف فداکاری‌های مردم سوریه در گذر سالیان انقلاب را بر باد دهد.

سوم: دستاورد عادی‌ساز جز خواری و پامال ساختن اصول بنیادین نیست؛ سوریه یا هر سرزمین اسلامی دیگر از تن دادن به سازوکارهای عادی‌سازی روابط و خواسته‌های قدرت‌های استعمارگر چه حاصلی خواهد برد جز ذلت و اسارت هشیگی در بند اراده دشمنان! مگر نه اینکه وظیفه شرعی در سامندهی نبرد و تنظیم روابط با دشمن اشغالگر حکم می‌کند که سرچشمه حرکت، کتاب الله و سنت رسالت و مصلی‌المللعلیه‌والکوسلم و اگر برای دشمنان این توهدهای امت باشد؟ چگونه روا دانسته می‌شود که قبیله‌نمای سیاست خارجی بر دیکته‌های تام بارک و رشایت واشگتنن و دست‌پرورده‌اش رژیم یهود استوار گردد، درحالی‌که فریضه یاری، برافشان فرصت‌هاست.

ادامه : پاسداری از کشتی‌ها یا پاسداری از نفوذ آمریکا؟

چنان‌که بر بخش‌هایی از سواحل غربی یمن مشرف بر دریای سرخ و باب‌المنذب سیطره یافتند، بنابراین، مهر تأیید سیاسی بر تدابیر عربستان در واقع همراهی و آمدگی برای ورود به این کارزار است؛ عملیاتی که چپسای پادشاهی نیروهای مصری را در یمن در کنار نیروهای پاکستانی، ترکیه‌ای و سعودی در بر گیرد تا مزدوران بریتانیا در مرکز و جنوب یمن پیشقدم شوند و سپس در مرحله بعد، هنگامی که سودمندی جویی‌ها برای واشگتنن پایان یافت، آنان نیز برپیدهی شوند و «گزار» دیگری یاری یمن بر بی‌رنامه‌های برجامانده از آنان، بریتانیا و ایران بر مسند نشاندند. بر پرتو این بازی پاید که از سوی کانون کفر، آمریکا و سربازان وفادارش یعنی حاکمان سرزمین‌های اسلامی که دشمنان الله سبحانه‌وتعالی، دشمنان رسول‌الله‌صلی‌الله‌علیه‌والکوسلم‌و دشمنان مسلمانند، هدایت می‌شود، بر مصلخان این امت، به‌ویژه در این سرزمین‌هایی که پیش از توان نظامی سترگ خویش به عقیدم‌شان استوارند، واجب است که جلوی این خیانت را بگیرند؛ خیانتی که آنان رسد یا ذنابی دردناک گریبان‌گیران کش شود.

حزب‌التحریر و ولایت سودان به دیدار‌های خود با بزرگان و سرشناسان سودان ادامه می‌دهد

روز دوشنبه ۱۴/۰۹/۲۰۲۶، هیئتی از حزب‌التحریر ولایت سودان به سرپرستی استاد عبدالله حسین، عضو کمیته ارتباطات مرکزی حزب در ولایت سودان و با همراهی مهندس عوض الهادی، از اعضای حزب‌التحریر، با استاد مکی محمد عبدالرحمن، دبیر اندیشه و مدیریت حزب در «دولت قانون و توسعه»، در منزل وی واقع در اجدرامن (الفتحیاب) دیدار کرد؛ دیداری که در پیبران تصمیم عثمان، دبیر سیاسی حزب «دولت قانون و توسعه» نیز حضور داشت. در این دیدار، نقشه آمریکا برای تجزیه سودان از طریق جداسازی دارفور با دامن زدن به این جنگ میان مهره‌های وابسته به خود، تلاش برای دور ساختن اسلام از حاکمیت و تحمیل نظام سکولار مورد بررسی قرار گرفت. همچنین تأکید شد که چالش اصلی، یورابویی با پروژه غرب به طور خاص است، آن هم از طریق طرحی که تجسیم‌بخش عقیده مردم این دیار یعنی عقیده اسلام‌تعلیم در سایه دولت خلافت باشد و اینکه حزب‌التحریر امت و مصلخان در عرصه سیاسی را فرامی‌خواند تا برای تحقق پروژه خلافت با این حزب همراه شوند.

سپس استاد متعصم عثمان سخن گفت و ضمن ارج نهادن به این دیدار، بر اهمیت آگاهی‌بخشی به امت پیرامون نقشه‌های غرب کافر و استعمارگر در قبال سرزمین‌های اسلامی و لزوم رویارویی با آن در پرتو وحدت مسلمانان دایه سبیل خلافت تأکید ورزید.

پس از آن، استاد مکی محمد عبدالرحمن به ایراد سخن پرداخت و اظهار داشت که آنان خواهان دولتی هستند که مسلمانان را متحد سازد، یعنی همان خلافت؛ امری که شوربختانه در محاسبات بسیاری از گروه‌های اسلامی جایگاهی ندارد.

همچنین در روز چهارشنبه ۱۶/۰۹/۲۰۲۶، هیئتی به سرپرستی استاد ناصر رضا، رئیس کمیته ارتباطات مرکزی حزب‌التحریر در ولایت سودان، به همراه استاد عبدالله اسماعیل، عضو این کمیته، از امیر قبیله هوسا در ولایت دریای سرخ، استاد صالح عبدالرحمن، که مدعاً سخنان ایوب و استاد مختار حمزه او را همراهی می‌کردند، استقبال نمود.

در جریان این دیدار، ناصر رضا به تبیین اوضاع ناگوار کشور از گرانی سرسام‌آور و جهش روزانه بهای دلار گرفته تا بی‌مسئولیتی حکومت و خطرناکتر از همه، کشاندن کشور به کام جنگ‌های داخلی در راستای برآوردن اهداف غرب کافر و به‌استمرارگر برای تکته‌کردن سرزمین پرداخت. از این‌رو، مسدود ساختن راه در برابر آنان از طریق طرح اسلام و برپایی دولت خلافت راشده بر منته نبوت، که این نقشه جایت‌کارانه را در هم خواهد شکست، ضرورتی گریزن‌ناپذیر است. سپس امیر قبیله هوسا با قدردانی از حزب برای گام نهادن در مسیر این پروژه اسلامی، بیان داشت: «ما با تمامی مباحث مطرح‌شده موافقیم؛ هیچ راه‌حلی جز اسلام وجود ندارد».

علاوه بر این، در روز شنبه ۱۹/۰۹/۲۰۲۶، هیئتی به سرپرستی استاد ناصر رضا، به همراه دو تن از اعضای مجلس حزب‌التحریر ولایت سودان، یعنی استاد محیی‌الدین بخاری و دکتر احمد عبدالفضیل و شماری از اعضای حزب از جمله استادان: خالد الجصیع، فضل‌الله علی سلیمان و عبدالوهاب محمد عبدالوهاب، در نخستین بازدید خود با استاد عبدالحی منافی‌الدین تاجح، رئیس شورای قبایل دار خفر، در محل اقامت وی در محله کبیر واقع در خارطوم بصری دیدار کردند.

در آغاز این نشست، استاد عبدالحی پیرامون جنگ سودان، پیامدهای آن بر ارکان دولت و جامعه و خرابی‌ها و ویرانی‌های برجامانده سخن گفت. سپس استاد ناصر با تشریح ابعاد خطرناک نقشه طرح‌اشده مبتنی بر سیع قبایل، مسلح‌سازی آن‌ها و ورود به جنگ‌های ویرانگر تجزیه‌طلبانه، راهکار بنیادین را هوشیاری در برابر توطئه‌های کفار استعمارگر و تلاش برای برپایی دولت اسلام یعنی عقیده خلافت راشده بر منته نبوت دانست. استاد عبدالحی نیز تأکید کرد که هیچ راه‌حلی جز اسلام در ساتح عقیده و شریعت متصور نیست و از حضور این هیئت قدردانی نمود.

در دومین دیدار، این هیئت با امیر قبیله کواهله در خارطوم، استاد محمد الزین فضل‌المولی ابوفض، در منزل وی در منطقه الثوره در شهر اجدرامن دیدار کرد. در آغاز این گفتگو، امیر کواهله از جنگ سودان، جنایت‌های واکنش سریع، غارت اموال مردم و اینکه ریشه این مصلاب در دوری جامعه از اسلام نهفته است، سخن راند.

تسلیم ناصر با تأکید بر اینکه این جنگ از بیرون مرزها هدایت می‌شود، نسبت به خطر کشاندن قبایل به نزاع و تسلیح آنان بر مبنای پیوندهای قبیله‌ای هشدار داد و این روند را در راستای تحقق اهداف استعمارگر برای فرقهایی و تجزیه‌کشور ارزیابی کرد. وی یگانه راه نجات را در تمسک به اسلام از طریق برپایی خلافت راشده بر منته نبوت برشمرد و از امیر خواستار نصرت و همراهی با پروژه خلافت شد. امیر نیز در پاسخ گفت: «تا زمانی که با اسلام هستیم ما نیز با شمایم» و بر لزوم تداوم این پیوندها و گفتگوها تأکید ورزید.

تفاوت میان «سیاستمدار» و «عالمِ سیاست»

استاد عبدالله اسوار

«سیاستمدار» و «عالم سیاست» دو مفهوم بهم‌پیوسته‌اند، اما وقیفه و تازل‌شده از سوی الله سبحانه‌وتعالی است و نیز می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ونا تتبع الهوی فیملک عن سبیل الله» «ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داور کن و از هوی نفس پیروی مکن که تو را از راه الله سبحانه‌وتعالی منحرف سازد». این آیه آشکار می‌سازد که عدالت، پایه و اساسی است که حاکمیت باید بر مدار آن استوار گردد. همچنین در قرآن کریم اصطلاحات دیگری به کار رفته است که بر معنای حاکمیت و تدبیر امور مردم دلالت دارند؛ از جمله: «استغفار» یعنی خلیفه قرار دادن انسان بر روی زمین؛ چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَذَٰلِکَ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَفَعَلُوا الصَّالِحَاتِ لَنَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ» «الله سبحانه‌وتعالی به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که بی‌تدرید آنان را در زمین جانشین و خلیفه گردانند.

دیگر اصطلاح قرآنی تمکین است؛ یعنی بخشیدن اقتدار، قدرت و توانایی؛ چنان‌که می‌فرماید: «الَّذِینَ اِنْ مَّكَّنَّاهُمْ فِی الْاَرْضِ اقَامُوا السَّلٰةَ وَآتَوُا الزَّکٰوةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلَهُ عٰقِبَةُ الْاُمُورِ» «همان کسانی که اگر در زمین به آنان اقتدار و تمکین بخشیم، حق را برپا می‌دارند، زکات را می‌پردازند، به نیکی‌ها فرمان می‌دهند و از بدی‌ها بازمی‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن الله سبحانه‌وتعالی است». این آیه وقایف و کارکردهای حاکمیت در اسلام را بیان می‌دارد که عبارتند از: اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر، از همین رو، دانشمندان از آیه را از مهم‌ترین آیاتی برشمرده‌اند که مقصود و فلسفه قدرت و سلبه امور اقتصادی نیست، بلکه برپایی عدالت و اداره جامعه بر پایه فرامین الله سبحانه‌وتعالی است.

از دیگر واژگان قرآنی نیز مفهوم امر است؛ چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَأَنزَلْنٰهُمُ سُورًا بَیِّنٰتٍ»؛ «کراش با شورت میان خوشان انجام می‌پذیرد». بنابراین، این سخن که: «قرآن به مسئله خلافت اشاره‌ای نکرده یا درباره آن سخن نگفته است»، سخنی نادرست و بی‌اساس است؛ چراکه آیات پیش‌گفته به روشنی مفاهیم حاکمیت، استخفاف و سامندهی امور انسان‌ها را تشریح کرده‌اند. از این‌رو، سیاست صرفاً دنبال کردن اخبار خواندن روزنامه‌ها، یا ارائه تحلیل و اظهارنظر پیرامون رخدادها نیست؛ گریه سیاستمدار بدان نیازمند است بلکه حقیقت و جوهر سیاست، سرپرستی و تدبیر امور داخلی و خارجی امت بر پایه احکام اسلام و ترویج بپای نشاندن این اصول است. در بستر عینی زندگی است، آگاهی سیاسی در اسلام آگاهی سیاسی در نزد مسلمان عبارت است از نگریرستن به جهان و رویدادهای جاری در آن از روزه عقیده اسلامی؛ یعنی شنش و ارزیابی هر پدیده‌ای با ترازو و ملک «لا اله الا الله محمد رسول الله». هرگاه انسان بر آن شود تا اندیشه و باور خویش را بر پایه‌های فقه و واقعیت عینی و دگرگون ساختن آن قرار دهد یا در آن مکتبیت بخشد، فیه و افکار و تطبیق آن‌ها در گستره جامعه مزایه و هکد، چند سیاستمدار خواهد بود؛ چراکه سیاست پیوندی گنگسنتی با اقدام، شنگشگری و مبارزه برای پیاده‌سازی افکار و اصول در ساتح عینی ندارد نه اینکه صرفاً شناختی نظری پیرامون رخدادها ی تحلیل وقایع باشد. خاصه کلام آنگاه: عالم سیاست سیاست را مطالعه و وچایی می‌کند؛ اما سیاستمدار کسی است که بر پایه اندیشه و برنامه‌های مشخص، برای اداره شون جامعه یا اصلاح ساختار حکمرانی وارد میدان عمل می‌شود. اما آگاهی سیاسی در نزد مسلمان، در گرو نگریرستن باواقعیت‌ها از منظر عقیده اسلامی و احساس مسئولیت در راستای برپایی حق و گسترش عدالت تجلی می‌یابد.

بر همین اساس، سیاست در اسلام هرگز امری ویژه نخبگانی محدود نیست بلکه تکلیفی همگانی است که به سرپرستی امور امت و پاسداری از مصالح آن بر مبنای احکام الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌والکوسلم پیوند خورده است.

آگاهی سیاسی در نزد مسلمان عبارت است از نگریرستن به جهان و رویدادهای جاری در آن از روزه عقیده اسلامی؛ یعنی شنش و ارزیابی هر پدیده‌ای با ترازو و ملک «لا اله الا الله محمد رسول الله». هرگاه انسان بر آن شود تا اندیشه و باور خویش را بر پایه‌های فقه و واقعیت عینی و دگرگون ساختن آن قرار دهد یا در آن مکتبیت بخشد، فیه و افکار و تطبیق آن‌ها در گستره جامعه مزایه و هکد، چند سیاستمدار خواهد بود؛ چراکه سیاست پیوندی گنگسنتی با اقدام، شنگشگری و مبارزه برای پیاده‌سازی افکار و اصول در ساتح عینی ندارد نه اینکه صرفاً شناختی نظری پیرامون رخدادها ی تحلیل وقایع باشد. خاصه کلام آنگاه: عالم سیاست سیاست را مطالعه و وچایی می‌کند؛ اما سیاستمدار کسی است که بر پایه اندیشه و برنامه‌های مشخص، برای اداره شون جامعه یا اصلاح ساختار حکمرانی وارد میدان عمل می‌شود. اما آگاهی سیاسی در نزد مسلمان، در گرو نگریرستن باواقعیت‌ها از منظر عقیده اسلامی و احساس مسئولیت در راستای برپایی حق و گسترش عدالت تجلی می‌یابد.

بر همین اساس، سیاست در اسلام هرگز امری ویژه نخبگانی محدود نیست بلکه تکلیفی همگانی است که به سرپرستی امور امت و پاسداری از مصالح آن بر مبنای احکام الله سبحانه‌وتعالی و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌والکوسلم پیوند خورده است.

تنها اسلام توانایی پیرون راندن استعمار از لیبی را دارد

رؤسای ستاد نیروهای هوایی، دریایی و پدافند هوایی وابسته به دولت وحدت (ملی) در غرب لیبی و نیروهای شرق لیبی، در سر یک برنامه کاری مشترک و طرح‌های اجرایی جهت تقویت همکاری و یکپارچگی در عرصه‌های گوناگون نظامی به توافق رسیده‌اند، به جای آنکه از یکپارچگی کشور و پایان بخشیدن به نزاع بر سر قدرت سخن بگویند؛ و برای اثبات پیوندگی این تلاش‌ها و نومیودی از اینکه این اقدامات و گفت‌وگوها حاصلی نیک برای کشور به بار آورد، نهاد نظامی این گفت‌وگوها را زیر نظارت هیئت نمایندگی سازمان ملل متحد و در چارچوب اجرای توافق آتش‌شس امضا شده در ژنو در اکتبر ۲۰۲۰ میان طرف‌های متنازع‌به میان می‌پیش میرد؛ تطبیق، بی‌تدرید مسئله وجوب وحدت مسلمانان، از دیدگاه شرعی امری قطعی و فیصله‌یافته است؛ به دلیل فرموده الله سبحانه‌وتعالی: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً وَاَنْتُمْ قَوْماً» «و همگی به ریسمان الله سبحانه‌وتعالی چک زبید و پراکنده نشوید» و فرموده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌والکوسلم:«هر کس به سوی شما آمد در حالی که کارتان بر محور مردی واحد یکپارچه است و خواست که اتحاد شما را بشکند یا جعامتان را پراکنده سازد، او را بکشید» و فرموده ایشان:«هرگاه براد دو خلیفه بیعت گرفته شد، دومین آنان را به قتل برسانید».

نزاع میان مزدوران بریتانیا و دست‌نشانندگان آمریکا، نامه‌ عملی است که کشور را در گرداب دوستگی و خون‌ریزی نگاه می‌دارد؛ بجردی که یگانه بازنده آن مسلمانند. از همین رو، بر مصلخان اهل لیبی یعنی اهل حل و عقد در قبایل و علمای ربانی واجب است که دست فراموشانه این درگیری را بپذیرند تا کشور را از چنگال استعمار برهانند و آن را زیر بیری «لا اله الا الله الله محمد رسول الله» نه پرچم استعمار متحد سازند؛ چراکه اسلامی که توانست میان دو قبیله اوس و خزرج پیوند برادری برقرار سازد، توانست که میان شرق و غرب در لیبی، بلکه تمامه مسلمانان در سراسر جهان وحدت پدید آورد؛ چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمُ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَقْبَلَ بَيْنَكُمْ فَاوْصَيْتُمْ بِبَهْتِهِمُ إِهْوَآناً وَكَتَبْنَا عَلَیْكُمْ خُفْرَهُمُ فَمِنْ أَثَرِ الْبَغْتِكُمْ مَنَّا كَذَلِكِ بَيِّنُنَ اللَّهُ لَكُمْ أَنَّهُ بِآيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» «و نعمت الله سبحانه‌وتعالی را بر خود به یاد آورید آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت افتد و به نعمت او برادر یکدیگر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهایند. این‌گونه الله سبحانه‌وتعالی آیات خود را بر شما روشن می‌سازد، باشد که هدایت یابید».

آمریکا از سلاح شیمیایی، چماقی علیه فرماندهان ارتش برای جداسازی دارفور بهره می‌جوید

استاد احمد الخوانی

روزنامه الکترونیکی «الخلیج» و شبکه خبری «اسکانیوز عربی» در ۵ سپتامبر ۲۰۲۶، گزارش روزنامه واشنگتن‌پست را پیرامون اسدای بازتاب دادند که پرده از ایجاد زرادخانه‌های محرمانه از یسب‌های کُمر توسا ارتش سودان و کاربرد آن علیه نیروهای واکنش سریع برمی‌دارد. این روزنامه آمریکایی از تحقیقی استنادی بر پایه اسناد محرمانه پرده برداشت که گواهی می‌دهد ارتش سودان ذخایر مخفیانه‌ای از سلاح‌های شیمیایی گرد آورده و در خلال متارعه جاری در سودان به گاز کالر متوسل شده است. به نوشته این روزنامه، در تحوٰلی خطرناک که به تراژدی جنگ داخلی سمساله دامن می‌زند؛ جنگی که بدترین بحران انسانی جهان را بر جای نهاده است. این گزارش در ادامه می‌افزاید که این پرونده‌ها دربردارنده مدارکی تنظیم‌شده از سوی مقامات نظامی سودانی است که به مهمات «دوگانه» آمیخته با گاز فسمکننده اشاره دارد؛ در کنار تصاویری ویدئویی که آزمایش این تجهیزات و برخاستن بخارهای سبز و زردرنگ را نشان می‌دهد و پی‌هایه‌ای میان صاحب‌منصبان نظامی سودان‌که حکایت از ذخیرسازی تا ۲۹ قلم مهمات شیمیایی توسط ارتش دارد.

روزنامه واشنگتن‌پست در بررسی و راستی‌آزمایی این پرونده‌ها با بیش از ۲۰ تن از مقامات اطلاعاتی عربی، بازرسان تسلیحات شیمیایی و کارشناسان سازمان‌های حقوق بشری رایزنی کرده و همگی این شواهد را مدارکی متقن مبنی بر وجود برنامه سلاح‌های شیمیایی ازبرای کرده‌اند. شاید یادآوری این نکته چندان نیاز به استدلال نداشته باشد که آمریکا هرگاه در پی تحمیل تعهدات‌های در منطقه‌ای برآید، دسته‌ای از تحرکات نظامی و سیاسی را رهم می‌زند؛ خواه از رهگذر بحران آفرینی و مدیریت پیامدهای آن و خواه با اقدامات سیاسی که به کامیابی در سیاست‌های استعماری، به زانو درآوردن ملتها و درهم‌شکستن ارکان دولتها بینجامد. واشنگتن که بر سریر قدرت اول جهان تکیه زده است، هیچ‌یک ندارد در اینکه افراد درگیر در ماجرا را در برابر رها سازد؛ بنابراین که در حقیقت به دست خود آمریکا پی ریخته شده است. او این اقدامات را ابزاری برای مجرم‌انگاری حقوقی قرار می‌دهد تا با اهرم فشار بین‌المللی، هر آن کس را که سودای گریز در سر دارد خرد و تسلیم کند؛ به‌ویژه زمانی که پای مزدوران مخلصی چون برهان و حمیدتی در میان باشد. آمریکا بدین‌گونه بار کانهان را بر دوش این کمشنگان می‌راند و بر آنان فشار می‌آورد تا بیش از پیش سر تسلیم فرود آورند!

آمریکا یوروه تجزیه سودان را رهبری کرده و از دهه نود سده گذشته میلادی آن را در کانون اولویت‌های خود نشانداده است؛ درست از زمانی که توجه خویش را به جریان‌های معارضی‌اش‌شده از خارطوم معطوف داشت که به اسمره کوچیدند. این معارضان همایش نامحداد خویش را در سال ۱۹۹۵ در اسمره با عنوان «همایش مسائل سرنوشت‌ساز» برگزار کردند که ایده حق تعیین سرنوشت را تصویب نمود و رهبری این انتالف را به سرکرده وقت شورش، یعنی جان قرق، دست‌نشانده آمریکا سپرد و واشنگتن در سال ۲۰۰۵ مبلغ ۱ میلیون دلار به این انتالف اعطا کرد. پس از آن، آمریکا رژیم بشیر را به بهانه حمایت از تروریسم زیر تیغ تحریم‌های اقتصادی قرار داد. تا آنکه سرانجام پروژه جداسازی جنوب سودان را با موفقیت به سرانجام رساند. سپس گردش مناصب و محتند، دوره تازه‌ای را بر مردم سودان تحمیل کرد؛ آن‌گاه که ارتش، «نیروهای واکنش سریع» را پدید آورد تا با شورش دارفور در سال ۲۰۰۳ که از سوی بریتانیا حمایت می‌شد، یپکار کند؛ تسکیناتی که در آن هنگام هنوز «واکنش سریع» به‌چنین اسامی‌های تحریمی که برای امر علیه او تدوین شده؛ چراکه فکر فرائین و خطرناکتر از این‌ها صرف است؛ آنان در پی آنند که آگاهی‌ها را نسبت به هویت بنیادین خود و مسیری که باید در پیش گیرد همان‌گونه که پیامبران علیهم‌الصلوات‌وسلیم علیهم‌السلام به‌بازرسی کنند. از همین رو، غرب و در رأس آن آمریکا، کوشیده‌اند تا با پارچه‌ها کردن ملتها، غرق ساختن آنان در فقر و مآزعات پدیدری و به محاصره در آوردن هر طرحی که امری بدیاری و وحدت امت بکام برمی‌آرد، مانع از این پیوند گردند.

اما شگفتی ما در اینجاست که غرب در همان حالی که در پی فرونشاندن این جرقه است، پیرامون آن هزیم انباشته می‌سازد؛ چراکه جنگ‌افروزی‌ها، ستیجشی، پشتیبانی از رژیم موهومیستی و چشپوشی از جنایات آن، غارت ثروت‌های امت و نگذاشتن از آن زیر یوغ فقر و سرکوب، همگی ابزارهای فشاری هستند که او با دست خویش بدید می‌آورد؛ او چنان عرصه را بر امت تنگ می‌کند تا دریاچه که دگرگون ساختن این واقعیت یعنی امری ناگزیر و محتم است. بدینسان، آنچه غرب امروز مرتکب می‌شود به‌جای کوشش‌ها در برآورد سازد، بلکه بستر را برای پیوند جرقه با هزیم مهیا گرداند تا آتشی شعلور شود که او همه عمر از رخ دادش در هراس بوده است؛ به‌ویژه در شرایطی که امروزه اسامی به شکست تمامی طرح‌های سکولار و ملی‌گرایانه پی برده و دریافت‌ه است که رستگاری انسان تنها در گرو پیروژه اسامی خود اوست، پیروژه‌ای که مجد و عزت را با پیامدهای شریعت الله سبحانه‌تعالی در تمامی ابعاد زندگی بدان بازگردانی‌ده و عدالتی را مقنن می‌سازد؛ این بدین شکلی که در آن هنگام هنوز «واکنش سریع» به‌تکلیو برنخیزد.

غرب و حکامان طاوونی با، با این فکر می‌چنگند تا مانع از رسیدن مدای آنان به امت شوند؛ چراکه کار محابان فکر فرائین و خطرناکتر از این‌ها صرف است؛ آنان در پی آنند که آگاهی‌ها را نسبت به هویت بنیادین خود و مسیری که باید در پیش گیرد همان‌گونه که پیامبران علیهم‌الصلوات‌وسلیم علیهم‌السلام به‌بازرسی کنند. از همین رو، غرب و در رأس آن آمریکا، کوشیده‌اند تا با پارچه‌ها کردن ملتها، غرق ساختن آنان در فقر و مآزعات پدیدری و به محاصره در آوردن هر طرحی که امری بدیاری و وحدت امت بکام برمی‌آرد، مانع از این پیوند گردند.

اما شگفتی ما در اینجاست که غرب در همان حالی که در پی فرونشاندن این جرقه است، پیرامون آن هزیم انباشته می‌سازد؛ چراکه جنگ‌افروزی‌ها، ستیجشی، پشتیبانی از رژیم موهومیستی و چشپوشی از جنایات آن، غارت ثروت‌های امت و نگذاشتن از آن زیر یوغ فقر و سرکوب، همگی ابزارهای فشاری هستند که او با دست خویش بدید می‌آورد؛ او چنان عرصه را بر امت تنگ می‌کند تا دریاچه که دگرگون ساختن این واقعیت یعنی امری ناگزیر و محتم است. بدینسان، آنچه غرب امروز مرتکب می‌شود به‌جای کوشش‌ها در برآورد سازد، بلکه بستر را برای پیوند جرقه با هزیم مهیا گرداند تا آتشی شعلور شود که او همه عمر از رخ دادش در هراس بوده است؛ به‌ویژه در شرایطی که امروزه اسامی به شکست تمامی طرح‌های سکولار و ملی‌گرایانه پی برده و دریافت‌ه است که رستگاری انسان تنها در گرو پیروژه اسامی خود اوست، پیروژه‌ای که مجد و عزت را با پیامدهای شریعت الله سبحانه‌تعالی در تمامی ابعاد زندگی بدان بازگردانی‌ده و عدالتی را مقنن می‌سازد؛ این بدین شکلی که در آن هنگام هنوز «واکنش سریع» به‌تکلیو برنخیزد.

آنهاست پیروژه‌های غرب کافر را به شکست خواهد کشاند و پیروژه خویش را در آغوش خواهد گرفت؟

غرب و حکامان طاوونی با، با این فکر می‌چنگند تا مانع از رسیدن مدای آنان به امت شوند؛ چراکه کار محابان فکر فرائین و خطرناکتر از این‌ها صرف است؛ آنان در پی آنند که آگاهی‌ها را نسبت به هویت بنیادین خود و مسیری که باید در پیش گیرد همان‌گونه که پیامبران علیهم‌الصلوات‌وسلیم علیهم‌السلام به‌بازرسی کنند. از همین رو، غرب و در رأس آن آمریکا، کوشیده‌اند تا با پارچه‌ها کردن ملتها، غرق ساختن آنان در فقر و مآزعات پدیدری و به محاصره در آوردن هر طرحی که امری بدیاری و وحدت امت بکام برمی‌آرد، مانع از این پیوند گردند.

اما شگفتی ما در اینجاست که غرب در همان حالی که در پی فرونشاندن این جرقه است، پیرامون آن هزیم انباشته می‌سازد؛ چراکه جنگ‌افروزی‌ها، ستیجشی، پشتیبانی از رژیم موهومیستی و چشپوشی از جنایات آن، غارت ثروت‌های امت و نگذاشتن از آن زیر یوغ فقر و سرکوب، همگی ابزارهای فشاری هستند که او با دست خویش بدید می‌آورد؛ او چنان عرصه را بر امت تنگ می‌کند تا دریاچه که دگرگون ساختن این واقعیت یعنی امری ناگزیر و محتم است. بدینسان، آنچه غرب امروز مرتکب می‌شود به‌جای کوشش‌ها در برآورد سازد، بلکه بستر را برای پیوند جرقه با هزیم مهیا گرداند تا آتشی شعلور شود که او همه عمر از رخ دادش در هراس بوده است؛ به‌ویژه در شرایطی که امروزه اسامی به شکست تمامی طرح‌های سکولار و ملی‌گرایانه پی برده و دریافت‌ه است که رستگاری انسان تنها در گرو پیروژه اسامی خود اوست، پیروژه‌ای که مجد و عزت را با پیامدهای شریعت الله سبحانه‌تعالی در تمامی ابعاد زندگی بدان بازگردانی‌ده و عدالتی را مقنن می‌سازد؛ این بدین شکلی که در آن هنگام هنوز «واکنش سریع» به‌تکلیو برنخیزد.

آنهاست پیروژه‌های غرب کافر را به شکست خواهد کشاند و پیروژه خویش را در آغوش خواهد گرفت؟

تالش آمریکا برای پدید آوردن بلوکی منطقه‌ای، به اذن الله سبحانه‌تعالی تالش شکست‌خورده برای طوالت‌تری ساختن دوران احمی آن است؛ چراکه سال‌هاست در اثر مارپیخت‌های ویژه دست‌نپاکی می‌زنند. از این‌رو دست‌نخاستگان و فرومایه‌گش می‌بخیزند تا آن را با بتلانی قرائین و خطرناکتر از این‌ها صرف است؛ آنان در پی آنند که آگاهی‌ها را نسبت به هویت بنیادین خود و مسیری که باید در پیش گیرد همان‌گونه که پیامبران علیهم‌الصلوات‌وسلیم علیهم‌السلام به‌بازرسی کنند. از همین رو، غرب و در رأس آن آمریکا، کوشیده‌اند تا با پارچه‌ها کردن ملتها، غرق ساختن آنان در فقر و مآزعات پدیدری و به محاصره در آوردن هر طرحی که امری بدیاری و وحدت امت بکام برمی‌آرد، مانع از این پیوند گردند.

اما شگفتی ما در اینجاست که غرب در همان حالی که در پی فرونشاندن این جرقه است، پیرامون آن هزیم انباشته می‌سازد؛ چراکه جنگ‌افروزی‌ها، ستیجشی، پشتیبانی از رژیم موهومیستی و چشپوشی از جنایات آن، غارت ثروت‌های امت و نگذاشتن از آن زیر یوغ فقر و سرکوب، همگی ابزارهای فشاری هستند که او با دست خویش بدید می‌آورد؛ او چنان عرصه را بر امت تنگ می‌کند تا دریاچه که دگرگون ساختن این واقعیت یعنی امری ناگزیر و محتم است. بدینسان، آنچه غرب امروز مرتکب می‌شود به‌جای کوشش‌ها در برآورد سازد، بلکه بستر را برای پیوند جرقه با هزیم مهیا گرداند تا آتشی شعلور شود که او همه عمر از رخ دادش در هراس بوده است؛ به‌ویژه در شرایطی که امروزه اسامی به شکست تمامی طرح‌های سکولار و ملی‌گرایانه پی برده و دریافت‌ه است که رستگاری انسان تنها در گرو پیروژه اسامی خود اوست، پیروژه‌ای که مجد و عزت را با پیامدهای شریعت الله سبحانه‌تعالی در تمامی ابعاد زندگی بدان بازگردانی‌ده و عدالتی را مقنن می‌سازد؛ این بدین شکلی که در آن هنگام هنوز «واکنش سریع» به‌تکلیو برنخیزد.

انتخابات دموکراتیک، نسخه‌ای رنگ‌باخته، سرگرمی و مست‌کننده توده‌هاست که هرگز بهبودی در اوضاع آنان پدید نخواهد آورد

استاد عقیل بک اسحاقوف

حاکمیت و احزاب و نهادهای وابسته به آن، کارزارای گسترده را برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای در انتخابات پارلمانی ستایمبر ۲۰۲۶ هدایت می‌کنند. میزان مشارکت در انتخابات، عموماً معیاری برای سنجش اعتماد افکار عمومی به نهادهای حاکمیت و مشروعیت کلی نظام سیاسی قلمداد می‌شود؛ از همین رو، رژیم‌ها پیوسته می‌کوشند این رقم را در سطحی بالا نگه دارند تا افکار عمومی داخل و خارج را به ثبات، پایداری و استواری نظام متقاعد سازند و چنین القا کنند که مخالفت‌های مردمی هرچند گاه به اوج می‌رسد، صرفاً متوجه برخی اشخاص یا احزاب است و بنیانه‌ها و شواهد نظام را نشانه نرفته است. با این همه، هر ناظر بر آثار مشارکت در بیشتر کشورهای عربی به روشنی درمی‌یابد که این ارقام دوره به دوره با افتی محسوس رو‌بر‌رو شده است.

در مراکش به عنوان نمونه، رژیم برای پرده‌پوشی بر این واقعیت دست به ترفند می‌زند و با دستکاری در شیوه محاسبه، می‌کوشد از تلخی و بار سنگین این آثار بکاهد؛ بدین‌ترتیب که نرخ مشارکت را تنها بر پایه مشارکت نظام «ثبت‌نامندگان» محاسبه می‌کند، نه مجموع تمامی کسانی که حق رای داشته و اسماً ثبت‌نام نکرده‌اند. در انتخابات سال ۲۰۲۱، نسبت ثبت‌نام‌کنندگان به واجدان شرایط رای به ۶۹ درصد رسید، در حالی که در سال ۱۹۹۱ این نسبت ۸۶ درصد بود؛ بدین معنا که یک‌سوم از واجدان شرایط، از همان گام نخست فرایند نام‌نویسی را تحریم کرده بودند. حال اگر در نظر بگیریم که نرخ مشارکت ثبت‌نام‌کنندگان به ۵۰۳۵ درصد رسید، این بدان معناست که نسبت مشارکت‌کنندگان واقعی به کل افراد واجد شرایط برابر است با: ۱۵۰ × ۶۹ = ۱۰۳۴۰ یعنی معناً دوسوم افراد واجد شرایط، کل فرایند انتخابات را تحریم نموده‌اند. افزون بر این، با افزودن نرخ آرای باطله که به ۱۳٫۶ درصد از شرکت‌کنندگان بالغ شد، سهم آرای معتبر می‌شمارد به ۳۰٫۱ درصد فراتر نمرود.

همین وضعیت بی‌پای ارزیابان نیز حاکم است؛ آنجا که نسبت جمعیت در سن رأی‌دهی که رایشان به صندوق‌های رای معتبر واریز شد، از حدود ۷۰٫۷ درصد در سال ۱۹۹۱، به ۱۶ تنها درصد در سال ۲۰۲۱ و در سال ۲۰۲۶ سقوط کرد. در تونس اوضاع از این نیز وخیم‌تر است؛ نرخ مشارکت با سرعتی سرسام‌آور فروریخت و از ۶۷٫۷ درصد در سال ۲۰۱۴، به ۴۱٫۷ درصد در سال ۲۰۱۹ و سپس به ۱۱٫۲ درصد در سال ۲۰۲۲ تنزل یافت.

این ارقام گواهی می‌دهد که فضای عمومی جامعه چنین انتخاباتی را به رسمیت نمی‌شناسد، آن را به پیوند اوضاع معیشتی و سرنوشت خود کارساز نمی‌داند و از این‌رو انگیزه‌ای برای مشارکت در آن احساس نمی‌کند. در این میان، آنان که مردم را به شرکت در انتخابات فرامی‌آوردند و دست‌نخاستگان و تحریم‌کنندگان را سرزنش می‌کنند، باورهای خود را بر پایه‌یاهی‌ها واهی بنا نهاده‌اند؛ از جمله: ۱. شرکت نکردن در انتخابات، کارنامه‌گیری از سرنوشت عمومی جامعه و پشت پا زدن به شش‌های دگرگون‌ساز است و چنین رفتاری شایسته فرد دلسوز برای مصالح مردم نیست.

۲. یگانه راه مشارکت در سرنوشت عمومی، صندوق‌های انتخابات پارلمانی است؛ چراکه این مسیر است که به گزینش زامعداران کشور در مرحله پیش‌روی می‌انجامد.

۳. خودداری از مشارکت و چشم‌پوشی از حق گزینش فرد شایسته و لایق‌تر، راه را برای ورود فسادان و فرصت‌طلبانی می‌گشاید که اوضاع را از آنچه هست وخیم‌تر خواهند کرد.

۴. انتخابات پارلمانی، فرصت و روزنه‌ای برای اصلاح است؛ چه بسا ارجل آزمانی و کامل‌ترین چاره نباشد، اما چه مانی دارد که از آن بهره جست‌ه و پارهای از منافع مردم را محقق ساخت؟ چراکه «مالا یُذَرک» که لا یتُزَلَّج» آنچه تعارض به دست نیاید، همه آن نیز نهایی‌نشود؛ پاسخ به این شبهات به شرح زیر است:

۱. انتخابات در ساحت عمل تنها یکی از شیوه‌ها از میان چندین راهکار برای دگرگونی است و در پیش نگرفتن یک مسیر هرگز به معنای نیستی یا ممانعی برای پیچوند راه‌های دیگر نیست. ۲. مشارکت در سرنوشت عمومی، پاسداری از منافع مردم و داخواهی حقوق آنان، تکلیفی روزمره و مستمر است، نه اقدامی موسمی که جامعه هر چند سال یکبار به آن سرگرم شود. ۳. در دوره به حوزه سرنوشت عمومی با فهم دقیق چالش‌های مردم، تفکیک میان علل بنیادین و نشانه‌های ظاهری، بازشناسی عاملان پدیدآورنده بحران و پژوهش پیرامون جایگزین درست آغاز می‌گردد و از پس آن است که باید به ارحل‌های قطعی اندیشید. ۴. چاره‌اندیشی‌های وصلیمینه‌ای دوری گزید و هشیار بود تا در زیر آوار فشار واقعیت عینی، به پدیدرش هر طرح ارانم‌شده‌ای فارغ از میزان افروختنی آن تن در نداد.

اسموتر یج و تمام یهود بداندند که الله تعالی نابودی‌شان را به دست ما رقم زده است

خبرگزاری ام‌الاله‌الخلیجیه، در صفحه خود، اظهاراتی از اسموتر یج، وزیر دارایی رژیم یهود، بازتاب داد که در آن ادعا می‌کند قدرت و شکوایی رژیمش بزرگ‌ترین سیل بهر کس حسانی است که مدعی‌اند الله سبحانه‌تعالی در حال دور رها کرده است. تعریف این مقام‌نکرانه‌های نادره که در پیش‌تالش ملتها و تمدن‌ها با ندادن قدرت و شکوایی مادی هرگز دلیلی بر رضایت الله سبحانه‌تعالی نبوده است؛ بلکه بهر بسا درست فطرت قاطل آن و در بیشتر اوقات نشانه‌ای از نهلت دادن و استراخ (فروریدن تدریجی در عذاب) باشد وکرنه فرعون و قارون در زمره هلاک‌شدگان قرار نمی‌گیرند و اوپای چون عا، نمود، اصحاب مدین و دیگر ملت‌هایی که پس از تمکین و فروبرداری از نعمت‌ها، به کفر کفر و فیانباشن هلاک شدند، به چنین سرنوشتی دچار نمی‌گفتند.

اما درباره یهود جانیته‌یوش، الله سبحانه‌تعالی به ما خبر داده است که ذلت و خوارى هرگز از آنان برداشته نمی‌شود مگر به ریسمنی از جانب الله سبحانه‌تعالی و ریسمنی از جانب مردم و آنان ریسمن‌ا الهی را با کفر و کشتن پیامبران گسستند و گرفتار شتم او شدند و امروز نیز با غرور، خودکمنی و جانیته‌یوشی خویش، کار ریسمن مردم را یکسر می‌کنند و ایک‌ه هیچ جایی آنان و عذاب الهی به دست ما نمانده است، مگر کوهی ادبی از حکمان فرمویه که کفر و غرور با استعمارگر ریسمن‌ا مردم را یکسر می‌کنند و سمن‌شده به کارشان گشسته است.

پس اسموتر یج و همه یهود بداندند که الله سبحانه‌تعالی یکفر و نابودی آنان را مقدر فرموده و با کار دادن این هلاکت به دست ما، بر ما کرامت بخشیده است و این وعده به جمل و همراهی الهی در راه است و هر آنچه در راه است نزدیک خواهد بود و این امر بر الله سبحانه‌تعالی هرگز دشوار نیست.

۴. آن کس که به مردم چنین القا می‌کند که انداختن برگ‌های تنها به

درون صندوقی هر چند سال یکبار، مایه برانت ذمه در پاسداری از منافع امت است، در حقیقت همان فریبکار و دجال است، نه آن بیدارگری‌ها که مردم را به ژرف‌اندیشی و در فرجام کارشان فرامی‌خواند و

از گشاندن‌مشدن گورگورانه باز می‌دارد.

۵. روش اشراقی‌ها بارها و بارها آزموده شده است، نه تنها در مراکش، بلکه در بسیاری دیگر از سرزمین‌ها؛ حاصل آن چه بوده است؟ پیشرفت تمدنی کجاست؟ پاسخ‌خواهی و حساب‌کنشی به کجا رسید؟ آیا دامنه فساد برپیده شد؟ آیا روزی مسنولی در اثر بازخواست از اریکه قدرت به زیر کشیده شد؟ آیا رژیم‌ها به تیش نبض جامعه و افکار عمومی روی خوش نشان دادند؟ یا آنکه موسمی پس از موسم دیگر جز سرفروگرگی، نهادهی‌مشدن و گرد‌کنشی فساد و تصویب قوانین ظالمانه و دستمراجه حاصلی بر جای نماند؟ این انتخابات چه تفاوتی با ادوار پیشین دارد، در حالی که سمن‌یگری همان است، ابذال همان است و

مهندسی از پیش تعیین‌شده از پشت پرده بلکه در هر برابر دیدگان همان می‌کسوست پیرایه‌اسات؟ تکرار مکرر یکی تجربه یا دیگن متغیرهای آغازین و چشم‌داشت تلایی دگرگون، حماقتی بیش نیست. ۶. وامت اوضاع تنها برآمده از فساد ساختار حکم و بنجایی پیامجایی نقش دارد؛ بلکه در بنیاد خود از فساد ساختار حکم و بنجایی پیامجایی سرچشمه می‌گیرد که این نظام بر آن استوار شده است؛ پایه‌هایی که در محل بحث است و به اساس در حوزه اختیارات دولت یا منتخبان مجلس می‌کند. بنابراین، انتخابات و فرورند آن هرگز تغییر در جوهر ماحرا پدید آورد. در اینجاست که می‌پرسیم: نشاندن مدیری پاکدست بر راس یک پتک رویی یا بر سر یک میخانه یا مدیر پاکدست، چه حاصلی دارد؟ گشفتن افراد صلاح بر ارکان نهادهایی که ذاتاً فاسدند، همراه با محدود ساختن اختیاراتشان و بازداشتن آنان از دسترس به کانون‌ها و سرکردگان فساد، چیزی جز افزودن بر طول عمر این سازمان‌ها و تخذیر جامعه با تزریق فطره‌همی‌انید ایده‌های کاذب نیست.

۷. انتخابات پارلمانی با هدف گزینش وکیلتی از سوی رایج‌هنگدان صورت می‌پذیرد تا بر مبنایی غیر از شریعت تازل‌شده از سوی الله سبحانه‌تعالی به قانون‌گذاری بپردازند؛ از این رو چنین مشارکتی حرام است؛ چراکه هر آنچه بر وکیل حرام باشد، بر موکل (شخص امیل) نیز حرام خواهد بود و وکالت در امر حرام، خود حرام است. ۸. هر کس که در پی ساماندن سرنوشت جامعه و اصلاح اوضاع جامعه است، باید بداند که کار مردم هرگز سامان نمی‌پذیرد مگر بر بنیاد راهی و شریعت پروردگار جهانیان؛ چراکه آفریدگار آنان به آنچه مصالحشان در آن است و به آنچه سود را زیانشان می‌رساند، آگاه‌تر است. هر کس بر آن باشد تا در مدار این شیوه الهی کام برآورد، به اوست که به جست‌وجوی اهل اخلاص و بیداردلانی برآید که با اراده‌ای پابلندین در این مصالح کار درممانند؛ بر همراهی با آنان شکیبایی ورزد و به شش‌تی ایشان بشیند، حتی اگر امروزه این کشتی در خشکی جای داشته باشد؛ چراکه یگانه مدار رستگاری به هنگام برخورد امواج تیره قلمت و ستم، بهر ما در همین سینه نجات است.

در فرجام سخن، به مردم یادآوری می‌شویم: اگر در این انتخابات روزنه‌ای برای بازپس‌گیری حقوق پایمال‌شده‌تان از چنگ راهزنانی وجود داشت که نعمت آن فرزندانتان را می‌ربایند، هرگز چنین نمایشی برپا نمی‌گشت؛ شما را بدان فرا نمی‌خواندند. این بازی صرفاً بود باطلی است؛ شما آن را بزرگ می‌بقدار که در صندوقی که برایتان مهیا شده‌اند می‌نشیند و دست‌نخانی به سراغ زندگی خویش بازمی‌گردید؛ سپس آنان با همان برگ‌ها، چهره‌های نلخواه خویش را بر سمند دست می‌نشانند تا این سرزمین چون نقمادی گوارا و بی‌خردسر در چنگل‌نشان می‌ماند، در حالی که شما پنج سال اگر کار می‌یوقفه عرق می‌ریزید و آن‌گاه که کام خویش را برآوردد و دوره‌ای دیگر فرارسید، دیگران شما را فرامی‌خوانند، آنچه را ششاق شنیدشتن هستتید از راه دگرگونی یجج در گوش‌هایتان زمرعه می‌کنند و شما برگ‌های دیگر در صندوق می‌افکیند و این تسلسل چون ادامه می‌یابد تا عمر، معیشت، توان‌ها و شوت‌و توان فرزندانتان یکسر به یغما رود. و شما در آن‌هفته استانی آری، این مسیر سختی‌ها و رنج‌هایی با خود دارد، اما در مشتقی در آن پاداشی عظیم در پی دارد و میزان اجر و پاداش در پیشگاه الله، به اندازه سختی و رنج کشیده‌شده در این راه خواهد بود.

۹. انتخابات پارلمانی با هدف گزینش وکیلتی از سوی رایج‌هنگدان صورت می‌پذیرد تا بر مبنایی غیر از شریعت تازل‌شده از سوی الله سبحانه‌تعالی به قانون‌گذاری بپردازند؛ از این رو چنین مشارکتی حرام است؛ چراکه هر آنچه بر وکیل حرام باشد، بر موکل (شخص امیل) نیز حرام خواهد بود و وکالت در امر حرام، خود حرام است. ۸. هر کس که در پی ساماندن سرنوشت جامعه و اصلاح اوضاع جامعه است، باید بداند که کار مردم هرگز سامان نمی‌پذیرد مگر بر بنیاد راهی و شریعت پروردگار جهانیان؛ چراکه آفریدگار آنان به آنچه مصالحشان در آن است و به آنچه سود را زیانشان می‌رساند، آگاه‌تر است. هر کس بر آن باشد تا در مدار این شیوه الهی کام برآورد، به اوست که به جست‌وجوی اهل اخلاص و بیداردلانی برآید که با اراده‌ای پابلندین در این مصالح کار درممانند؛ بر همراهی با آنان شکیبایی ورزد و به شش‌تی ایشان بشیند، حتی اگر امروزه این کشتی در خشکی جای داشته باشد؛ چراکه یگانه مدار رستگاری به هنگام برخورد امواج تیره قلمت و ستم، بهر ما در همین سینه نجات است.

در فرجام سخن، به مردم یادآوری می‌شویم: اگر در این انتخابات روزنه‌ای برای بازپس‌گیری حقوق پایمال‌شده‌تان از چنگ راهزنانی وجود داشت که نعمت آن فرزندانتان را می‌ربایند، هرگز چنین نمایشی برپا نمی‌گشت؛ شما را بدان فرا نمی‌خواندند. این بازی صرفاً بود باطلی است؛ شما آن را بزرگ می‌بقدار که در صندوقی که برایتان مهیا شده‌اند می‌نشیند و دست‌نخانی به سراغ زندگی خویش بازمی‌گردید؛ سپس آنان با همان برگ‌ها، چهره‌های نلخواه خویش را بر سمند دست می‌نشانند تا این سرزمین چون نقمادی گوارا و بی‌خردسر در چنگل‌نشان می‌ماند، در حالی که شما پنج سال اگر کار می‌یوقفه عرق می‌ریزید و آن‌گاه که کام خویش را برآوردد و دوره‌ای دیگر فرارسید، دیگران شما را فرامی‌خوانند، آنچه را ششاق شنیدشتن هستتید از راه دگرگونی یجج در گوش‌هایتان زمرعه می‌کنند و شما برگ‌های دیگر در صندوق می‌افکیند و این تسلسل چون ادامه می‌یابد تا عمر، معیشت، توان‌ها و شوت‌و توان فرزندانتان یکسر به یغما رود. و شما در آن‌هفته استانی آری، این مسیر سختی‌ها و رنج‌هایی با خود دارد، اما در مشتقی در آن پاداشی عظیم در پی دارد و میزان اجر و پاداش در پیشگاه الله، به اندازه سختی و رنج کشیده‌شده در این راه خواهد بود.

اسموتر یج و تمام یهود بداندند که الله تعالی نابودی‌شان را به دست ما رقم زده است

خبرگزاری ام‌الاله‌الخلیجیه، در صفحه خود، اظهاراتی از اسموتر یج، وزیر دارایی رژیم یهود، بازتاب داد که در آن ادعا می‌کند قدرت و شکوایی رژیمش بزرگ‌ترین سیل بهر کس حسانی است که مدعی‌اند الله سبحانه‌تعالی در حال دور رها کرده است. تعریف این مقام‌نکرانه‌های نادره که در پیش‌تالش ملتها و تمدن‌ها با ندادن قدرت و شکوایی مادی هرگز دلیلی بر رضایت الله سبحانه‌تعالی نبوده است؛ بلکه بهر بسا درست فطرت قاطل آن و در بیشتر اوقات نشانه‌ای از نهلت دادن و استراخ (فروریدن تدریجی در عذاب) باشد وکرنه فرعون و قارون در زمره هلاک‌شدگان قرار نمی‌گیرند و اوپای چون عا، نمود، اصحاب مدین و دیگر ملت‌هایی که پس از تمکین و فروبرداری از نعمت‌ها، به کفر کفر و فیانباشن هلاک شدند، به چنین سرنوشتی دچار نمی‌گفتند.

اما درباره یهود جانیته‌یوش، الله سبحانه‌تعالی به ما خبر داده است که ذلت و خوارى هرگز از آنان برداشته نمی‌شود مگر به ریسمنی از جانب الله سبحانه‌تعالی و ریسمنی از جانب مردم و آنان ریسمن‌ا الهی را با کفر و کشتن پیامبران گسستند و گرفتار شتم او شدند و امروز نیز با غرور، خودکمنی و جانیته‌یوشی خویش، کار ریسمن مردم را یکسر می‌کنند و ایک‌ه هیچ جایی آنان و عذاب الهی به دست ما نمانده است، مگر کوهی ادبی از حکمان فرمویه که کفر و غرور با استعمارگر ریسمن‌ا مردم را یکسر می‌کنند و سمن‌شده به کارشان گشسته است.

پس اسموتر یج و همه یهود بداندند که الله سبحانه‌تعالی یکفر و نابودی آنان را مقدر فرموده و با کار دادن این هلاکت به دست ما، بر ما کرامت بخشیده است و این وعده به جمل و همراهی الهی در راه است و هر آنچه در راه است نزدیک خواهد بود و این امر بر الله سبحانه‌تعالی هرگز دشوار نیست.